

بررسی نامه حره ختلی از تاریخ بیهقی بر اساس تحلیل گفتمان اعترافی (فمینیست)
الهام مرادپور*

چکیده

امروزه با وجود نظریه‌ها و نقدهای جدید از جمله مرگ مؤلف، می‌توان خوانش‌های جدید و متفاوتی از اثر به دست آورد. در این مقاله نامه حره ختلی که تنها نامه‌ای است، در تاریخ بیهقی از جانب یک زن برای مسعود غزنوی سلطان آینده غزنویان نوشته شده است، بر اساس تحلیل گفتمان اعترافی، که نشأت گرفته از یکی از آثار فراوان فوکو است و فمینیست‌ها آن را در جهت اهداف خود به کار برده اند مورد بررسی قرار گرفته است و به این نتیجه دست یافته شد، که این نامه همچون متون زنانه دیگر از نظر فمینیست‌ها و بر اساس گفتمان اعترافی به وسیله بیان شکوه و گلایه و دردمندی، قدرت خود را به عرصه ظهور می‌رساند و حتی موجب تغییر در روند آتی یک حکومت می‌شود. در نهایت به وسیله زبان‌شناسی انتقادی به بررسی لایه نحوی و لایه کاربردشناسی این متن پرداخته شده است تا قدرت پنهان در نامه را به صورت آشکار و اصولمند نشان داد شود.

کلید واژه‌ها: نامه حره ختلی، گفتمان اعترافی، فمینیست، فوکو، تاریخ بیهقی



مقدمه؛ طرح مسئله

کتاب تاریخ بیهقی که یکی از مهم‌ترین کتب زبان فارسی است از جنبه‌های مختلفی چون سبک‌شناسی، زیباشناسی، نقد و نظریه‌ها و... مورد بررسی قرار گرفته است و این می‌تواند نشان‌دهنده این امر باشد که این کتاب تاریخی ادبی گنجایش کار و تحقیقات بسیاری دارد، همچنین نظریه نسبی بودن نیچه بر این امر که هیچ قطعیت مطلقی در دنیا وجود ندارد، موجب به وجود آمدن تحولات و اندیشه‌های فراوانی شد، که دیگر به متن تنها به یک صورت و معنای واحد نگاه نمی‌شود بلکه یک متن دارای خوانش‌ها و معناهای بسیار و نامحدودی است. از نظر رولان بارت: « متن به نحوی فرو ناکاستنی متکثر است، بافته‌ای از صداها یا رمزگان هاست که نمی‌توان آن را به خاستگاه بیانی واحدی در مؤلف گره زد. خواندن کشف صدا یا معنایی پنهان نیست، بلکه کاری تولیدی است که با رمزگان‌های چندگانه‌ی یک متن انجام می‌شود». (مکاریک، ۱۳۹۰: ۳۱۵)

تحلیل گفتمان^۱ از جمله نظریه‌های جدیدی است، که بر اساس آن بسیاری از متون دوباره مورد کنکاش قرار خواهند گرفت و به نتایج جدیدی دست خواهند یافت. فسولد^۲ در تعریف از گفتمان می‌گوید: «در زبان‌شناسی، مطالعه زبان در سطح بالاتر از جمله را گفتمان می‌گویند». (کلانتری، ۱۳۹۱: ۸) در این راستا زبان‌شناسان نقش گرا هم اعتقاد دارند، که در زبان‌شناسی نقش گرای معنای جمله در واحدی فراتر از جمله و مبنی بر روابط نهفته در خود متن است. زبان‌شناسان نقش گرای این نظریه را مرهون زبان‌شناسی ساختارگرای سوسور هستند که در این تلقی معنای نه در کلام که در متن پنهان شده است. این دسته از زبان‌شناسان برای تمایز کار خود با زبان‌شناسان صورت‌گرای که به واحدهای جمله نظیر صوت، واج، کلام نظر داشتند، خود را زبان‌شناسان انتقادی نامیدند و تحلیل خود را از کلام و زبان، تحلیل گفتمان نام نهادند.

اصطلاح تحلیل گفتمان نخستین بار در سال ۱۹۵۲ در مقاله‌ای از زبان‌شناس معروف انگلیسی زلیک هریس^۳ به کار رفته است. او در این مقاله نگاهی صورت‌گرایانه به جمله و متن دارد، بعد از

^۱ Discourse Analysis

^۲ Fasold

^۳ Zelik harris



هریس بسیاری از زبان شناسان تحلیل گفتمان را نقطه مقابل تحلیل متن دانسته اند، آنها اعتقاد داشتند تحلیل گفتمان شامل، تحلیل ساختار زبان گفتاری مانند گفت و گوها، مصاحبه‌ها و سخنرانی‌ها است و تحلیل متن شامل تحلیل مقاله‌ها و داستان‌ها و... است، اما دیری نگذشت که بعضی از زبان شناسان این مفهوم را در معناهای متفاوتی به کار بردند و در تحلیل گفتمان چون روش سنتی زبان شناسان به بررسی نحوی و لغوی جمله نمی‌پردازند بلکه به عوامل بیرونی متن یعنی بافت موقعیت، اجتماعی و فرهنگی و غیره... می‌پردازند. (همان: ۳۷) پس می‌توان گفت تحلیل گفتمان « چگونگی تبلور و شکل‌گیری معنا و پیام واحدهای زبانی را در ارتباط با عوامل درون زبانی (زمینه‌ی متن) واحدهای زبانی، محیط بلافصل زبانی مربوطه و نیز کل نظام زبانی) و عوامل برون زبانی [زمینه اجتماعی، فرهنگی و موقعیتی] بررسی می‌کند». (فرکلاف، ۱۳۸۹: ۸)

تحلیل گفتمان به وسیله افرادی چون میشل فوکو^۱، ژاک دریدا^۲ و چند تن دیگر که در مورد قدرت، ایدئولوژی، فرهنگ، اجتماع و سیاست دارای نظراتی بودند به تحلیل گفتمان انتقادی بسط و گسترش یافت. در تفاوت تحلیل گفتمان و تحلیل گفتمان انتقادی می‌توان گفت:

«در چارچوب تحلیل گفتمان، نیاز ارتباطی صورت متن را به وجود می‌آورد و معنای آن از بافت موقعیت و تعامل بین گوینده و شنونده حاصل می‌شود، در حالی که تحلیل گفتمان انتقادی متن را چیزی بیش از کاربرد زبان تعریف می‌کند. از نظر این رویکرد، زبان خواه به شکل گفتاری، خواه نوشتاری نوعی عمل اجتماعی است و عواملی چون بافت تاریخی، روابط قدرت در جامعه، نهادهای فرهنگی، اجتماعی و ایدئولوژی متن یا صورت زبان و معانی را به وجود می‌آورند.» (اقاگل زاده، ۱۳۹۰: ۱۲)

بافت موقعیت^۳ یکی از ابزارهای مهم در تحلیل گفتمان علی‌الخصوص در تحلیل گفتمان انتقادی مورد استفاده قرار می‌گیرد، چرا که بافت موقعیت است که موجب آشکار شدن ایدئولوژی و

^۱ Michel Foucault

^۲ Derrida

^۳ Context of situation



قدرت پنهان در متن است، اصطلاح بافت موقعیت را نخستین بار براون مالینوفسکی^۱ (۱۸۸۴ - ۱۹۴۲) به کار برد و معتقد بود، که معنی هر گفتار تنها در بافت موقعیت آن مشخص می‌شود. (همان: ۲۲) و یا «بافت موقعیتی یا بافت برون زبانی - یعنی همان شرایط حاکم بر تولید متن یا جهان خارج و شرایط محیطی حاکم بر گوینده و شنونده». (پهلوان نژاد و ناصری مشهدی، ۱۳۸۷: ۴۲)

همان طور که اشاره شد بافت موقعیت یکی از ابزارهای مهم برای تحلیل گفتمان علی‌الخصوص تحلیل گفتمان انتقادی است اما تحلیل گفتمان انتقادی را سه مفهوم مهم و اساسی در بر می‌گیرد که موجب شاخص تر شدن تحلیل گفتمان انتقادی می‌شود.

مهم ترین تفاوت زبان شناسی و تحلیل گفتمان با تحلیل گفتمان انتقادی سه مفهوم انتقادی، قدرت و ایدئولوژی است، که در تحلیل گفتمان انتقادی به آنها توجه شده است اما در زبان شناسی و تحلیل کلام مورد توجه قرار نگرفته است. «مفاهیم سه گانه انتقادی، ایدئولوژی و قدرت از جمله مفاهیمی هستند که تحلیل انتقادی گفتمان برای فاصله گرفتن از توصیف صرف و دستیابی به تبیین آنها را به کار گرفته است». (فجری و نظری، ۱۳۹۲: ۸۳)

«ایدئولوژی» از منظر تحلیل انتقادی گفتمان، ابزار ایجاد و حفظ روابط نابرابر قدرت در جامعه است. و این کار به کمک زبان صورت می‌گیرد در واقع ایدئولوژی با وساطت زبان در نهادهای اجتماعی به جریان می‌افتد». (همان: ۸۴) و «از طریق گفتمان است که ایدئولوژی تا حدودی وضوح پیدا می‌کند و در نتیجه بیان می‌شوند مشروعیت می‌یابند یا به شکل هنجار در می‌آیند». (ون دایک، ۱۳۸۹: ۳۱۱)

ایدئولوژی و قدرت دو مقوله تقریباً شبیه به هم هستند اما در باطن تفاوت‌هایی بایکدیگر دارند یکی به صورت نیرویی نامرئی و دیگری که قدرت باشد تقریباً به صورت مرئی بر مردم تحمیل می‌شود زیرا همه افراد جامعه قدرت یکسان و یا حتی صاحب قدرت نیستند پس افراد قدرتمند توانایی بدست گرفتن ذهن و افکار مردم را دارند.

درمورد قدرت باید دانست، که یکی از ویژگی‌های مهم قدرت دسترسی به گفتمان است که بر آن تسلط دارد. فلاحی اعتقاد دارد که «همه افراد به یک اندازه بر گفتمان سلطه ندارند». (درپر، ۱۳۹۲:

^۱ Malinowski



(۷۸) پس کسی قدرتمندتر است، که بیش از همه به گفتمان دسترسی داشته باشد و بیهقی هم یکی از افراد قدرتمند محسوب می‌شود که با قلم خود تاریخ را ثبت کرده است. «زبان ابزار مهمی برای برقراری و حفظ روابط و بازتاب دیدگاه‌های اجتماعی و سیاسی است». (قبادی و اقاگل زاده و دسپ، ۱۳۸۸: ۱۵۱)

در کل می‌توان گفت تحلیل گفتمان انتقادی که همراه با ایدئولوژی و قدرت و گفتمان است و نقش مؤثر زبان که موجب قدرت و مشروعیت بخشی به روابط نابرابر اجتماعی می‌شود یک امر بدیهی و طبیعی فرض می‌شود بر همین اساس تحلیل گران انتقادی برآن هستند که با آشکار کردن روابط قدرت پنهان و فرایندهای ایدئولوژی موجود در متون زبانی، این طبیعی بودن را از بین ببرند و با این کار ناخودآگاه افراد را بیدار سازند زیرا این ناخودآگاه است که موجب تثبیت و مشروعیت ایدئولوژی می‌شود. (رک. اقا گل زاده و غیثیان، ۱۳۸۶: ۵۴)

«نظریه گفتمان کاوی به ما می‌گوید که مناسبات قدرت در جامعه بر نحوه ارتباط ما با یکدیگر و نیز بر نحوه تولید دانش تأثیر می‌گذارد و آن را شکل می‌دهد». (مکاریک، ۲۶۰: ۱۳۹۰)

از نظر فوکو هم یک از مهم ترین عوامل تشکیل دهنده گفتمان قدرت است، که در تمام انواع گفتمان‌ها با قدرت به نوعی سروکار داریم. پاتون پتون در مورد آثار فوکو از قول او این گونه نقل می‌کند که «تمام کتاب‌های من..... به مانند جعبه‌ی ابزارهای کوچک هستند..... و اگر مردم آنها را باز کنند می‌توانند این جمله و یا از آن نظریه به عنوان پیچ گوشتی و یا آچاری برای باز کردن و یا بستن و.... استفاده کنند». (آقاگل زاده، ۱۴۰: ۱۳۹۰) علاوه بر گفتمان انتقادی، گفتمان اعترافی هم برخواسته از یکی از نظریه‌های فوکو درمورد انضباط و اعتراف است، آثار فراوان میشل فوکو موجب ایجاد نظریه‌های گوناگونی تحت عنوان گفتمان شده است.

قدرت پنهان و یا آشکار در گفتمان موجب پیوند این نظریه با فمینیست‌ها شد و یکی از اهداف فمینیست‌ها در جریان فعالیت‌ها ایشان تغییر نگرش تحقیر آمیزی است، که به زنان و یا حتی به نوشته‌های زنان در سده‌های گذشته برخورد می‌شد و آنها را با عناوینی چون افراد یا دیگری فاقد اهمیت و فاقد ارزش تبدیل کرده بودند، اما آنها با شروع فعالیت‌های خود خواهان از بین رفتن چنین نگرش و دیدگاهی نسبت به زنان بودند و تلاش می‌کردند که زنان جایگاه واقعی خود را



در جامعه، سیاست و ادبیات پیدا کنند. گفتمان اعترافی چنین هدفی دارد، که با بررسی و تحلیل متونی که توسط زنان نوشته شده است، قدرت زنان را ثابت کرده و یا قدرت زنان را برابر با قدرت مردان بدانند نه اینکه آنها را دیگری فاقد اهمیت به حساب بیاورند. منتقدان فمینیست اعتقاد دارند که «زنان انسان‌هایی دارای شخصیت مستقل اند نه مردانی ناقص تر یا فروتر. ادبیات و جامعه به کرات زنان را در قالب کلیشه‌هایی مانند فرشته، دخترمشروب فروش، لکاته، فاحشه، زن خانه دار ابله یا پیردختر ارائه کرده‌اند، زنان بایستی خود را از بند این انقیاد و اره‌اند و تعریفی [متفاوت] از خود بدست دهند. این منتقدان اعلام می‌کنند که زنان بیش از این نمی‌توانند اجازه دهند که جامعه مرد سالار نقش‌ها و ارزش‌ها و عقایدشان را معین کند و شکل دهد.» (برسler، ۲۰۷: ۱۳۸۹) و تحلیل گفتمان اعترافی هم نوعی تلاش و فعالیت برای از بین بردن چنین دیدگاه‌هایی در مورد زنان است و نشان دادن قدرتمندی آنهاست.

در این مقاله علاوه بر تحلیل گفتمان اعترافی برای اثبات قطعیت متن که آیا دارای صدای قدرتمند است یا اینکه از صدای منفعل و ضعیفی برخوردار است، به بررسی زبان‌شناسی لایه نحوی و لایه کاربردشناسی متن می‌پردازیم، که به طور آشکار و اصولی به جواب خود برسیم.

پرسش تحقیق

به طور کلی در این پژوهش به دنبال جوابی برای این سوال هستیم که: گفتمان اعترافی که فمینیست‌ها به وسیله تحلیل گفتمان به دنبال قدرت در متون زنانه هستند، آیا در نامه حره ختلی قدرت وجود دارد و به چه وجهی نمایش داده شده است؟

پیشینه تحقیق

در این مقاله نامه حره ختلی را بر اساس خوانش نو و جدید گفتمان اعترافی که بر خواسته از اهداف نظریه پردازان فمینیستی است و نه از نگاه یک مؤلف مرد-بیهقی - بلکه از نگاه و نویسنده زن- حره ختلی - تحلیلی و بررسی می‌کنیم. تا کنون در زمینه گفتمان اعترافی بر روی متنی تحقیق و پژوهشی صورت نگرفته است و این اولین مقاله‌ای است، که از منظر نظریه پردازان فمینیستی به



وسيله گفتمان اعترافی، نوشته‌ای مورد تحلیل و بررسی قرار می‌گیرد. در (یادنامه بیهقی: ۱۳۸۸) مقاله‌ای با عنوان زن در تاریخ بیهقی، تنها به جایگاه زنان پرداخته است نه اینکه متن را از دیدگاه فمینیستی مورد کنکاش قرار دهد. در کتاب سبک شناسی نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها (فتوحی: ۱۳۹۰) یک بخش به سبک زنانه اختصاص دارد، که با اشاره به مواردی سعی در جدا کردن سبک زنانه از سبک مردانه دارد. اما کتاب گفتمان (میلز: ۱۳۸۸) کتابی است که در آن گفتمان اعترافی را معرفی و شرح و توضیح می‌دهد. در مقاله «بررسی رمان «الصابار» سحر خلیفه بر اساس الگوی تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف»، صلاح الدین عبدی و نسرين عباسی (۱۳۹۱)؛ به وسیله تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف وارد بافت درونی متن می‌شوند و عاطفه و احساس مقاومت پایداری را در رمان نشان می‌دهند و از دیدگاه فمینیستی هم رمان را بار دیگر به خوانش جدیدی می‌کشاند. و در مقاله «روند تکوین سبک زنانه در آثار زویا پیرزاد تحلیل بر پایه سبک شناسی فمینیستی» (۱۳۹۱) آقایان نیکبخت، دسپ، بزرگ بیگدلی و منشی زاده بر اساس سبک شناسی فمینیست آثار خانم پیرزاد را در زمینه زبانی، ادبی و اندیشگانی مورد بررسی قرار داده اند. و در مقاله «تحلیل گفتمان غالب در رمان سووشون سیمین دانشور» (۱۳۸۸) آقایان قبادی، آقاگل زاده و دسپ با توجه به تحلیل گفتمان متوجه فمینیست در داستان سووشون شده اند که سیمین دانشور سعی داشته است با شرایط موجود در آن زمان نقش زن را از حالت منفعل خارج کرده و به نقشی فعال در عرصه سیاسی و اجتماعی مبدل کند زنی که می‌تواند همدوش مردان برای کشورش مبارزه کند. در بعضی از قسمت‌های کتاب تاریخ بیهقی بر اساس رویکرد تحلیل گفتمان و با کمک از معنا شناسی و یا کاربردشناسی کارهایی صورت گرفته است چون: تحلیل متن نامه‌ای از تاریخ بیهقی با رویکرد معناشناسی کاربردی، محمدرضا پهلوان نژاد و نصرت ناصری مشهدی (۱۳۸۷): در این مقاله تنها از رویکرد معنا شناسی کاربردی که می‌توان گفت جزء یکی از حوزه‌های زبان شناسی است، نامه سران تگیناباد را مورد تحلیل و بررسی قرار داده اند. مقایسه سبک شناسانه بین نامه‌های تاریخ بیهقی و متن روایی، ولی الله اسماعیل پور (۱۳۸۹): در این مقاله چند نامه و متن روایی از تاریخ بیهقی را در دستگاه زبانی در قسمت واژگانی و محتوایی مورد بررسی قرار داده است و به این نتیجه دست یافته است که شیوه نگارش نامه‌های اداری با متن روایی در تاریخ بیهقی بر اساس



محتوایی تفاوت بسیار چشمگیری وجود دارد که این خاص نامه نگاری است. بررسی تقابلی حقیقت و واقعیت در تاریخ بیهقی بر مبنای تحلیل گفتمان، فردین حسین پناهی (۱۳۹۰): در این مقاله به بررسی چگونگی مشروعیت پذیری حاکمیت غزنویان بر اساس ذهن و ناخود آگاه بیهقی در تاریخ بیهقی مورد تحلیل قرار گرفته است.

بحث و بررسی

گفتمان اعترافی

فوکو در کتاب انضباط و مجازات (۱۹۷۹) به بررسی تغییراتی که از قرون وسطی تا فرهنگ اکنون در غرب جریان دارد می‌پردازد. در گذشته با انجام کارهایی چون اعدام در ملاء عام، مجازات بدنی و غیره... مجرمان را مورد مجازات قرار می‌دادند، که علاوه بر تنبیه مجرمان هدف دیگری هم داشتند چون عبرت گرفتن افراد دیگر و تکرار نکردن آن کارها، اما در حال حاضر روش دیگری برای اصلاح افراد مجرم اتخاذ کرده اند و آن درونی کردن یک رژیم انضباطی است، که بر اساس آن رفتار افراد در آینده به نظم در آورند، همچنین فوکو می‌گوید که نه فقط مجرمان بلکه کل جمعیت تحت سلطه این ساختار انضباطی قرار دارند همچون مدرسه‌ها، کلیساها و حتی زندان‌ها با آموزش‌های خود نقش انضباط درونی را در افراد جامعه ایفا می‌کنند. یکی از این روش‌های انضباطی به گفته فوکو «اعتراف» است. (رک. میلز، ۱۳۸۸: ۱۰۳) در این اعتراف یک سوژه و یا یک فرد دردمند وجود دارد که به بیان گناهان و مشکلات خود می‌پردازد.

گفتمان اعترافی یکی از دو گفتمانی است که فمینیست‌ها برای رسیدن به مقاصد خود از انواع گفتمان‌های فوکو و آثار او اقتباس کرده اند. یک گفتمان اعترافی و دو گفتمان زینگی، در این مقاله تنها گفتمان اعترافی مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

اینکه زنان بیشتر از مردان به نزد روانشناس و مشاور می‌روند و بیش از مردان تمایل به بیان مشکلات و اتفاقات زندگی خود دارند، از نظر تحلیل فوکویی یک نوع اعتراف از سوی فردی ضعیف و دردمند است، فردی که خود توانایی و قدرت لازم را ندارد و خود را به دست سرنوشت و تقدیر می‌سپارد و نتیجه می‌گیرند، که چون بیشتر خانم‌ها تمایل به بیان دردمندی‌ها و گله‌مندی



دارند پس زنان نسبت به مردها ضعیف تر هستند اما از آن جایی که می‌توان از جنبه‌های دیگری هم نگریست نظریه پردازان فمینیست عقیده دارند که این گونه نیست وقتی یک زن به بیان مشکلات و اعتراف کردن می‌پردازد نه تنها ضعف خود را نشان نمی‌دهند بلکه قدرت خود را به نمایش می‌گذارند. «بدین ترتیب در بطن گفتمان اعترافی به جای اینکه با موضعی سروکار داشته باشیم که صرفاً محل بروز تمکین است با امکاناتی مواجهیم که اعتراف کننده با استفاده از آنها خود را برخوردار از قدرت می‌کند». (میلز، ۱۰۸: ۱۳۸۸). پس قدرت عامل مهم در بررسی متن و یا نوشته‌ای زنانه است که فمینیست‌ها سعی در نشان دادن آن را دارند، قدرتی که با گفتمان گره خورده است. «گفتمان هم پدید آورنده و پرورش دهنده قدرت است و هم شکل دهنده، تغییردهنده و حتی منسوخ کننده آن نیز هست، قدرت، اهرم مهم گفتمان در کنش زایی هاست زیرا قدرت ماهیتاً به دنبال مطیع کردن و ایجاد نظم و سیستم مورد نظر گفتمان در جامعه است». (پناهی، ۱۰۴: ۱۳۹۰)

با بررسی نامه حره ختلی مواردی چون گلایه، دردمندی، ایجاد حس ترحم و در نهایت و در باطن قدرت را که از عوامل ایجاد یک گفتمان اعترافی است را مورد بررسی قرار می‌دهیم. به گفته سارا میلز «برای زنان این امکان وجود دارد که ضمن نوشتن [متن‌های] ظاهراً دردمندانه و شکوه آمیز دخالت‌های استراتژیک قدرتمندانه‌ای در بیان نفس خود و سخن و واکنش‌هایشان با دیگران در جهان بکنند». (میلز، ۱۰۸).

متن نامه:

«خداوند ما، سلطان محمود نماز دیگر روز پنجشنبه هفت روز مانده بود از ربیع الاخر گذشته شد، رحمه الله و روز بندگان پایان آمد و من با همه حرم بجملمگی بر قلعت غزنین می‌باشیم و پس فردا مرگ او را آشکار کنیم. و نماز خفتن آن پادشاه را بیباغ پیروزی دفن کردند و ما همه در حسرت دیدار وی ماندم که هفته‌یی بود تا که ندیده بودیم. و کارها همه بر بحاجب علی میرود و پس از دفن سواران مسرع رفتند هم در شب بگوزگانان تا برادر محمد بزودی اینجا آید و بر تخت ملک نشیند و عمّه ت بحکم شفقت که دارد بر امیر فرزند هم در این شب بخطّ خویش مطلقه‌یی نبشت



و فرمود تا سبک تر دو رکابدار را که آمده اند پیش ازین بچند مهم نزدیک امیر، نامزد کنند تا پوشیده با این ملطفه از غزنین بروند و بزودی بجایگاه رسند. و امیر داند که از این برادر کار بزرگ برنیاید و این خاندان را دشمنان بسیارند و ما عورات و خزائن بصحرا افتادیم. باید که این کار بزودی بدست گیرد که ولی عهد پدر است و مشغول نشود بدانن ولایت که گرفته است و دیگر ولایت بتوان گرفت که آن کارها که تا اکنون میرفت بیشتر بحشمت پدر بود و چون خبر مرگ وی آشکار گردد، کارها از لونی دیگر گردد و اصل غزنین است و آنگاه خراسان و دیگر همه فرع است تا آنچه نبشتم، نیکو اندیشه کند و سخت بتعجیل بسیج آمدن کند تا این تخت ملک و ما ضایع نمایم و بزودی قاصدان را بازگرداند که عمه ت چشم براه دارد و هرچه اینجا رود، سوی وی نبشته می آید.»

بافت موقعیت برای تحلیل گفتمان مهم است، بنابراین ابتدا به موقعیت نامه فرستاده شده می پردازیم؛ نامه حره ختلی را می توان جزء نامه های محرمانه تاریخ بیهقی دانست نامه ای که مسعود را از فوت پدرش و از آمدن محمد به غزنین آگاه می کند و از او درخواست می کند هر چه سریعتر به سوی غزنین حرکت کند. مسعود در اصفهان بود، که نامه عمه خود حره ختلی را دریافت می کند و اطلاع پیدا می کند که پدرش فوت کرده و محمد قرار است بر تخت سلطنت بنشیند، مسعود بعد از دریافت این نامه و مشورت با بزرگان فوراً اصفهان را به علاءالدوله می سپارد و خود طبق خواسته عمه اش راهی غزنین می شود. فرستنده این نامه یعنی حره ختلی که به گفته بیهقی عاشق مسعود هم بوده است با استفاده از گفتمان زنانه عاطفی و احساسی عباراتی چون: عمه ت بحکم شفقت که دارد، و یا، ما عورات و خزائن به صحرا افتادیم، و یا، عمه ت چشم براه دارد. و با استفاده از کنش گفتاری اظهاری و عاطفی، گفتمان را بدست می گیرد و قدرت زنانه خود را به نمایش می گذارد و مسعود را راهی غزنین می کند. استفاده از این گفتمان تلاشی است جهت برهم زدن قدرت محمد و به تخت رساندن فردی که بنا بر خواسته و میل صاحب گفتمان است که به نتیجه خود هم می رسد.

«خداوند ما، سلطان محمود نماز دیگر روز پنجشنبه هفت روز مانده بود از ربیع الاخر گذشته شد، رحمه الله و روز بندگان پایان آمد...» (بیهقی، ۱۱: ۱۳۸۸) نامه حره ختلی با خبر مرگ شروع شده



است، خبری که ندا دهنده این است که فرد عزادار و ناراحت است پس نویسنده نامه فردی و سوژه‌ای دردمند است که به بیان ناراحتی و مشکل پرداخته و در ادامه نامه با بیان جملات و عباراتی چون: «روز بندگان پایان آمد» و «باغ پیروزی دفن کردند و ما همه در حسرت دیدار وی ماندیم...» (همان: ۱۱) ناراحتی و دردمندی خود را امتداد می‌دهد و علاوه بر آن حس ترحم مخاطب نامه را هم تحریک می‌کند، بعد از بیان دردمندی و تحریک احساسات مخاطب خویش حرف اصلی خود را می‌زند که «پس از دفن سواران مسرع رفتند هم در شب بگوزگانان تا برادر محمد بزودی اینجا آید و بر تخت ملک نشیند...» (همان: ۱۱) و در چند سطر با بیان «امیر داند که از برادر این کار بزرگ برنیاید...» (همان: ۱۲) آشکارا مخالفت خود را از به پادشاهی نشستن محمد اعلام می‌دارد و از مسعود می‌خواهد که او به جای برادرش برای نشستن به تخت تلاش و کوشش کند باز هم در ادامه با بیان «این خاندان را دشمنان بسیارند و ما عورات و خزائن بصحرا افتادیم». (همان: ۱۲) حس ترحم و تحریک او را برمی‌انگیزد و نه با بیان محکم و یا دستوری، بلکه با بیانی ترحم‌انگیز و دردمندانه از او می‌خواهد که بر تخت پادشاهی نشیند و در آخر هم با عباراتی چون «باید که این کار بزودی بدست گیرد که ولی عهد پدر است» و «نیکو اندیشه کند و سخت بتعجیل بسیج آمدن کند تا این تخت ملک و ما ضایع نمایم و بزودی قاصدان را باز گرداند که عمه ات چشم براه دارد...» (همان: ۱۲) بار دیگر سخن خود را به صورت گله مند و دردمندانه تاکید کرده و به آخر می‌رساند و «همه‌ی ما می‌دانیم که بهترین و موثرترین شیوه ایجاد باور تاثیر بر عواطف و احساسات گفته خوان است» (شعیری، ۵۶: ۱۳۹۱) و حره ختلی به خوبی از عهده این کار بر آمده است. «هر موضوعی به ناچار گونه‌زبانی خاصی را می‌طلبد. سخن گو می‌داند کدام گونه را در ارتباط با کدام موضوع انتخاب نماید و می‌داند چگونه احساسات خود را در ارتباط با شنونده در مجموعه عناصر زبانی اش ملحوظ نماید. وی تشخیص می‌دهد کجا و از چه امکانات زبانی‌ای برای تاثیرگذاری هرچه بیشتر بهره گیرد». (پهلوان نژاد و ناصری مشهدی، ۴۱: ۱۳۸۷)

حره ختلی به عنوان نویسنده نامه در ابتدا با خبر مرگ و دردمندی و گلایه و عزادار بودن و در میانه با بیان خواسته و هدف خود و در پایان نامه باز با آوردن عباراتی چون به صحرا افتادن و ضایع شدن تخت و افراد به خوبی توانسته است مسعود غزنوی را مورد تاثیر قرار بدهد و در لایه پنهانی



سخنان دردمندانه خود، قدرت خود را به اثبات رساند و اثبات قدرت او بر تخت نشستن مسعود غزنوی است. «از این نامه به خوبی آشکار است که این زن در به سلطنت رسانیدن مسعود نقش مهم و موثری به عهده داشته است علاوه بر اینکه او را تشویق به این کار می‌کند، منتظر عکس العمل اوست.» (یادنامه بیهقی، ۸۹) و هم چنین به نقل از خانم بیانی «در تاریخ بیهقی بسیار کم‌اند زنانی که به طور مستقیم جنبه سیاسی داشته باشند، تنها به یک مورد بر می‌خوریم و آن یکی از عمه‌های سلطان مسعود است به نام حره ختلی. از آنچه که از گفته‌های بیهقی استنتاج می‌شود این زن بسیار مدبر و کاردان و با شخصیت است و وارد در مسائل روز بوده، و حتی از مادر مسعود قدرت و اهمیت بیشتری داشته است.» (همان: ۸۸)

نوع بیان جمله	جمله
خبر مرگ و بیان دردمندی	خداوند ما، سلطان محمود نماز دیگر روز پنجشنبه هفت روز مانده بود از ربیع الاخر گذشته شد
دردمندی و ایجاد حس ترحم	و روز بندگان پایان آمد...
بیان دردمندانه	و نماز خفتن آن پادشاه را بباغ پیروزی دفن کردند و ما همه در حسرت دیدار وی ماندیم
بیان گله مندی و شکوه آمیز بودن	پس از دفن سواران مسرع رفتند هم در شب بگوزگانان تا برادر محمد بزودی اینجا آید و بر تخت ملک نشیند
بیان محبت و ایجاد تاثیر عاطفه	و عمه ت بحکم شفقت که دارد...
بیان کردن مشکلات و تحریک	و امیر داند که از برادر این کار بزرگ بر نیاید
بیان کردن مشکلات و تحریک برای مخاطب	و خاندان را دشمنان بسیارند
بیان دردمندانه و تحریک مخاطب و ایجاد حس ترحم	و ما عورات و خزائن بصحرا افتادیم



نوع بیان جمله	جمله
یادآوری مسعود به ولی عهد بودن و بیان هدف خود	باید که این کار بزودی بدست گیرد که ولی عهد پدر است و مشغول نشود بدان ولایت که گرفته است
تحریک او برای نشان دادن عکس العمل سریع	تا آنچه نبشتم نیکو اندیشه کند و سخت بتعجیل بسیج آمدن کند
بیان دردمندانه و ایجاد حس ترحم در مخاطب	تا این تخت ملک و ما ضایع نمایم

مطالعه زبان بر اساس لایه‌های آوایی، واژگانی، نحوی، معناشناسی و کاربردشناسی از مبانی زبان‌شناسی است، که بر اساس بررسی این لایه‌ها در متن داده‌های خاص هر لایه بدست می‌آید و داده‌ها با رویکرد تحلیل گفتمان قابل ارزیابی و تفسیر هستند زیرا که این خرد لایه‌ها به کلان لایه‌هایی چون قدرت و ایدئولوژی پیوند می‌خورند و قدرت جدیدی را در متن به ظهور می‌رسانند. زبان‌شناسی انتقادی از جمله موارد قابل اطمینان و علمی است که می‌توان در تحلیل و تفسیرها از داده‌های آن استفاده کرد و به آن اطمینان داشت و مانند بقیه نقد و بررسی‌ها و تحلیل‌ها بی‌چیزتر از جانب خواننده یا تفسیرگر بر اساس برداشت‌های خود انجام می‌دهند، نیست.

لایه نحوی

وجهیت عاملی است که بررسی آن در موارد نحوی بیان‌کننده قدرت‌گوینده و یا نویسنده و یا نشان‌دهنده ضعف‌گوینده است و به عقیده سیمپسون^۱ کسانی که فرادست هستند، از وجهیت بالا استفاده می‌کنند تا اطمینان خود را درباره‌ی آنچه می‌گویند نشان دهند و برعکس فرودستان از وجهیت ضعیف یا پایین استفاده می‌کنند». (درپر، ۱۳۹۲: ۹۰) در قسمت اول لایه نحوی که به بررسی وجه‌های التزامی، اخباری و یا امری می‌پردازیم با این عمل می‌خواهیم نشان دهیم گوینده به چه

^۱ Simpson



طریقی قصد بیان مطلب خود را دارد اگر از طریق وجه اخباری باشد که گوینده با قاطعیت سخن می‌گوید، وجه امری هم که نشان دهنده امر کردن گوینده به مخاطبش است و چاره‌ای ندارد جز پذیرفتن، و وجه التزامی نشان دهنده این است که گوینده حرف خود را با بیانی تردیدآمیز و یا با خواهش و تمنا بیان می‌کند که دیگر این جایگاه جایگاه قدرت نیست. در بررسی وجه شناخت و عدم شناخت هم باز به مسئله قدرت گوینده می‌پردازد، در قسمت جملات معلوم و مجهول به صدای نحوی متن و یا گوینده می‌پردازیم جملات معلوم دارای صدای فعال هستند و از اطمینان و قدرت خبر می‌دهند اما جملات مجهول که دارای صدای منفعل هستند بیشتر که تأثیرگذار باشند تأثیرپذیر هستند. همچنین استفاده از جملات مجهول که فاعلان آن مشخص نیستند و «این عدم اشاره مستقیم به عاملان با نیت نویسنده سازگار است. زیرا نویسنده یا از هویت این افراد مطمئن نیست و یا نمی‌خواهد با اعلام آنها مورد انتقاد قرار گیرد و یا در دسری برایش درست شود». (یارمحمدی، ۱۳۸۳: ۱۶۰) پس در لایه نحو یا صدای نحو به بررسی وجه فعل می‌پردازیم که «در واقع تلقی گوینده از محتوای گزاره را بیان می‌کند». (فتوحی، ۲۸۶: ۱۳۹۰) تا به این نتیجه برسیم که آیا متن در موضع اقتدار قرار دارد یا دارای قطعیت ضعیف و موضع ضعف است و با بررسی فعل‌ها از جهت معلوم و مجهول بودن می‌توان به صدای فعال که صدای قوی و اقتدارمند است و یا صدای منفعل رسید. «میزان قطعیت متن و قاطعیت نویسنده به طور ضمنی در عناصر دستوری انعکاس پیدا می‌کند». (درپر، ۱۵۱: ۱۳۹۲)

برای بررسی صدای نحو نامه حره ختلی از جدول زیر استفاده می‌شود^(۱)

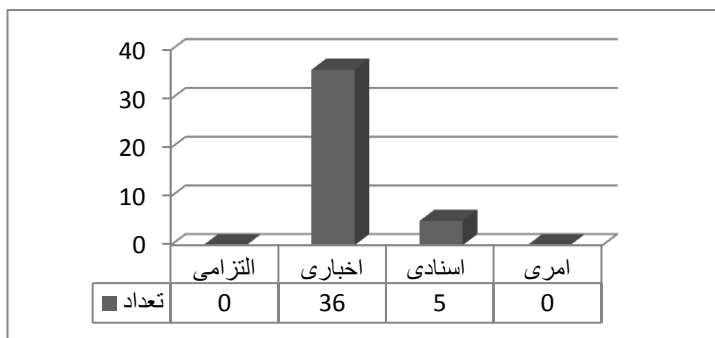
درجه قطعیت بالای متن، موضع اقتدار	درجه قطعیت پایین متن، موضع ضعف
۱. وجه: استفاده از ساخت‌های وجه اخباری و وجه امری	۱. وجه: به کارگیری ساخت‌های التزامی، شرطی، دعایی، پرسشی، مانند: بشود، برود، اگر، ای کاش، امیدوار بودن، آیا.....



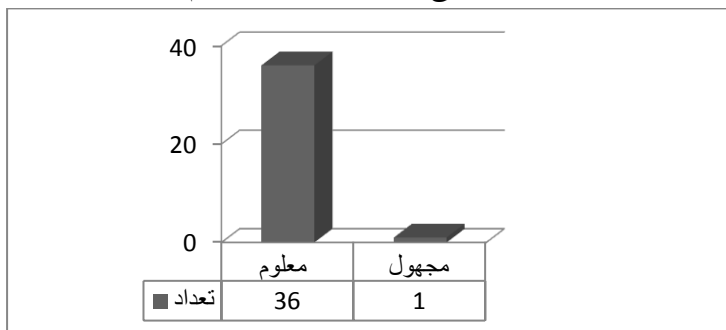
۲. استفاده از سیستم افعال وجهی شناختی یعنی به کارگیری افعال مربوط به بینش و ادراک همچون: عقیده داشتن، دریافتن، دانستن، درک کردن	۲. به کارگیری نظام وجهی شناختی، بیانگر عدم شناخت کامل هستند مانند: خیال کردن، فکر کردن، به نظر رسیدن، تصور کردن، حدس زدن، استنباط کردن پنداشتن
۳. ساخت معلوم	۳. ساخت مجهول

«فعل را به اعتبار کیفیت بیان مفهوم آن که خبری را برساند یا وقوع حالت آن را با احتمال یا شرط یا جز آن همراه کند یا فرمانی را برساند از یکی از سه وجه اخباری یا التزامی یا امری به شمار می آورند». (انوری، گیوی، ۱۳۸۵: ۷۲) بنابراین عامل مهم در پیدا کردن وجه فعل کیفیت بیان مفهوم آن است.

جدول شماره (۱): توزیع فراوانی ساخت‌های وجهی



جدول شماره (۲): توزیع فراوانی ساخت‌های معلوم و مجهول





همان گونه که در نمودار مشاهده می‌کنیم در این نامه خبری از وجه التزامی و امری نیست و ۸۸٪ افعال اخباری هستند، که نشان دهنده قطعیت و اطمینان نویسنده به مطالبش است و ۱۲٪ هم از افعال اسنادی استفاده کرده است. «خداوند ما، سلطان محمود نماز دیگر روز پنجشنبه هفت روز مانده بود از ربیع الاخر گذشته شد.» (بیهقی، ۱۳۸۸: ۱۱) جملات اخباری داری صدای فعال و پویایی هستند در مقابل جملات اسنادی که حالتی و حرکتی ندارند. «در جملات کنشی تحرک و تب و تاب و جریان کار وجود دارد در حالی که در جملات ربطی حالت سکون و آرامش و در عین حال برقراری ارتباط بین دو پدیده است.» (پارمحمدی، ۱۳۸۳: ۱۴۷) موضعی که نویسنده برای نوشتن و سخن گفتن استفاده کرده، موضع قدرت است و از وجه امری استفاده نشده است و این برای نامه‌ای که قرار است بدست سلطان آینده مملک برسد قابل درک است و از جهت دیگر وجه امری برای بیان گفتمان اعترافی و سوژه دردمند بیان مناسبی نیست. بسامد بالای وجه اخباری «بیانگر میزان پایبندی نویسنده به حقیقت گزاره هاست او در این گزاره‌ها، باورها و احساساتش را با قاطعیت بیان کرده است.» (درپر، ۱۳۹۲: ۱۵۲)

۹۷٪ افعال معلوم هستند که بیان‌کننده این امر است، نویسنده مطالبش را به صراحت بیان کرده است.

«هرچه اینجا رود سوی وی نوشته می‌آید.» (بیهقی، ۱۳۸۸: ۱۲) پس ۹۷٪ کاربرد افعال معلوم در مقابل ۳٪ افعال مجهول «نشان دهنده تأثیری است که متن بر مخاطب می‌تواند داشته باشد و در دیدگاه و عملکرد او تغییر ایجاد کند.» (درپر، ۱۳۹۲: ۱۵۴)

در این نامه فقط یک مورد از فعل دانستن استفاده کرده است که آن را هم به امیر نسبت داده است «امیر داند که از برادر این کار بزرگ برنیاید.» (همان: ۱۲) و دیگر از افعال عدم شناخت استفاده نشده است.

توزیع افعال شناختی (قطعی و تردیدی) به دلیل کم بودن بسامد آنها دارای معنای خاصی نمی‌باشد و اما در قسمت فعل‌های معلوم و مجهول بر اساس توزیع فراوانی مشخص شده، این نتیجه یافت می‌شود که متن به دلیل بالا بودن بسامد فعل معلوم دارای صدای فعال و اثرگذار است و معنای ثابت و مشخصی دارد.



لایه کاربردشناسی

در نیمه قرن بیستم میلادی، آستین^۱ (۱۹۶۲) و سرل^۲ (۱۹۶۹) نظریه کنش گفتاری^۳ را مطرح کردند که منظور از کنش گفتاری در این نظریه کنش ارتباطی و اجتماعی است، که از طریق زبان بیان می شود و در این کنش که نیتها مورد بررسی قرار می گیرد می خواهند بدانند، گوینده با بیان پاره گفتار خویش به دنبال چه هدف و مقصودی است. (رک. البرزی، ۱۳۹۲: ۶۶) سرل با این اعتقاد که سخن گفتن عبارت است از «وارد شدن در گونه ای فعالیت قاعده مند» این نظریه را گسترش داد و همچنین معتقد است وقتی گفته ای بیان می شود چهار کنش هم زمان صورت می گیرد که عبارتند از: کنش گفتن، کنش گزاره ای، کنش منظوری و کنش تأثیری وی کنش های گفتاری را به شرح ذیل دسته بندی کرده است.

کنش تصریحی یا اظهاری^۴، کنش های ترغیبی^۵، کنش های عاطفی^۶، کنش های تعهدی^۷ کنش های اعلامی^۸ (رک. پهلوان نژاد، ناصری مشهدی، ۱۳۸۷: ۳۹ - ۴۰)

کنش اظهاری یا تصریحی

هدف غیربیانی این کنش، توصیف حالتی یا حادثه ای است. گوینده عقیده خود را درباره صحت و یا سقم مطلبی اظهار می کند در این کنش گوینده تعهد اش را نسبت به صدق گزاره مطرح شده نشان می دهد و همچنین می گوید چیزها چگونه هستند، محتوای گزاره ای را با جهان و محیط

^۱ Austin

^۲ Searl

^۳ Speech Acts

^۴ Representative actorassertive

^۵ Directive act

^۶ Expressive act

^۷ Commissive act

^۸ Declarative act



مطابقت داده و باورهای گوینده را نشان می‌دهد. مثال: ما می‌دانیم که مردم اگر در آینده خویش نقشی داشته باشند از آمار خودکشی‌ها کم می‌شود.

کنش ترغیبی

هدف غیر بیانی این کنش، ترغیب مخاطب برای انجام کاری و قرار دادن شنونده در حالت تکلیف برای انجام عملی است، که گوینده سعی می‌کند تا کاری کند که عملی انجام شود و جهان را با محتوای گزاره‌ای که شامل عمل آتی شنونده می‌باشد تطبیق بدهد. در کل کنش ترغیبی خواست‌ها و تمایلات گوینده و ارائه پیشنهاد و یا طرح پرسشی را بیان می‌کند. مثال: به آنها، زنان و مردان باشرافتی که برای فرزندان خویش همان چیزهایی را می‌خواهند که ما برای کودکان خویش می‌خواهیم باید امید بدهیم.

کنش تعهدی

این کنش مربوط به تعهد گوینده برای انجام عملی در آینده است. گوینده با قول دادن، سوگند خوردن و اعمالی نظیر این متعهد می‌شود، که در آینده کاری را انجام دهد و هدف این کنش تطبیق دادن جهان با محتوای گزاره‌ای عمل آتی گوینده است. مثال: من قول می‌دهم که تا فردا کتاب شما را بخوانم.

کنش عاطفی

هدف غیربیانی این کنش بیان حالت روانی که در آن شخص سهیم شده است می‌باشد، گوینده احساس خود را از طریق قدردانی، عذرخواهی، تبریک، ناسزا، و جزآن بیان می‌کند و می‌توان گفت برای بیان احساسات، نگرش‌ها و ذهنیت افراد نسبت به وقایع است. مثال: ما پیروزی شما را در جنگ علیه ظلم ستایش و تحسین می‌کنیم.



کنش اعلامی

هدف این کنش اعلام شرایط تازه برای مخاطب است. گوینده اعلام هایش بر جهان تغییرات واقعی ایجاد می‌کند، کنش اعلامی زمانی اتفاق می‌افتد، که گوینده قدرت و صلاحیت بیان وقایع جدید یک مؤسسه را داشته باشد. اعلام مواردی چون نامگذاری یک واقعه، اعلام یک رخداد.

مثال: پایان جنگ را اعلام می‌کنم. (رک. بهلوان نژاد، اصطهباناتی، ۱۳۸۸: ۹-۱۲)

نامه حره ختلی به مسعود در کل از سه بند تشکیل شده است، که در بند اول با کنش اظهاری و عاطفی به شرح مرگ سلطان محمود و ابراز ناراحتی از مرگ اومی پردازد. در ادامه در مورد کارها که بدست حاجب علی انجام می‌شود و اینکه برادرش محمد قرار ست بر تخت بنشیند به او اطلاع می‌دهد.

بند دوم کنش اظهاری است، که حره ختلی با بیان این موضوع که «امیر داند که از برادر این کار بزرگ بر نیاید و این خاندان را دشمنان بسیارند و ما عورات و خزائن بصرا افتادیم». (همان: ۱۲) به مسعود می‌قبولاند که محمد باید برکنار شود و با بیان ما عورات و خزائن بصرا افتادیم؛ سعی در تحریک کردن حس عاطفی او را دارد.

بند سوم دارای کنش اظهاری و ترغیبی است و از مسعود می‌خواهد هرچه زودتر به غزنین برگردد و با نیامدنش همه چیز ضایع می‌شود. «سخت بتعجیل بسیج آمدن کند تا این تخت ملک و ما ضایع نمایم». (همان: ۱۲)

نامه حره ختلی بر اساس بسامد از کنش اظهاری و عاطفی بالاتری برخوردار است، کنش اظهاری که نویسنده عقیده خودش را نسبت به موضوعی بیان می‌کند، برای حره ختلی نشان دادن عقیده اش در مورد بی‌کفایتی محمد و سلطان شدن مسعود است و کنش عاطفی که در این نامه نمی‌توان حضورش را نادیده گرفت برای تحریک احساسات مسعود است با بیان عباراتی چون: روز بندگان پایان آمد، در حسرت دیدار وی ماندیم، خاندان را دشمنان بسیارند و ما عورات و خزائن بصرا افتادیم، تا این تخت و ما ضایع نمایم، عمه ت چشم براه دارد. و در نهایت با این نامه حره ختلی به هدف خود می‌رسد و همان‌گونه که قبلاً بیان شد استفاده از احساسات بیشترین تأثیر را بر مخاطب دارد.



نتیجه‌گیری

با بررسی نامه حره ختلی از تاریخ بیهقی با رویکرد تحلیل گفتمان اعترافی از منظر فمینیست‌ها در این نامه به این نتایج رسیده شد که:

- این نامه را می‌توان یک متن فمینیستی دانست. متنی که نویسنده زن آن با استفاده از روش‌هایی چون گله‌مندی، بروز ناراحتی، ایجاد حس ترحم در مخاطب و به طور کلی با اعترافات خویش برای نشان دادن قدرت خود استفاده کرده است. حره ختلی با بیان یک فرد عزادار یک فرد دردمند و گله‌کردن از ناراحتی به تخت نشستن محمد سعی در تحریک احساسات امیرمسعود داشته است و با این روش او را تحت اختیار خود در می‌آورد و از او می‌خواهد، که برای رسیدن به سلطنت تلاش کند و زودتر عکس‌العمل نشان دهد.

- بسامد بالای وجه اخباری هم دلیل دیگری برای اثبات قدرت حره ختلی است نامه‌ای که می‌توانست با بیانی چون وجه التزامی شرطی، دعایی و حتی آرزومندی نوشته شود. اما همان‌طور که جدول‌ها نشان داده اند نامه دارای بسامد بالای وجه اخباری است، که نشان دهنده موضع اقتدار و قدرت برای نویسنده می‌باشد و استفاده از بسامد بالای فعل‌های معلوم هم خبر از فعال بودن و اثرگذار بودن متن می‌دهد. این متن هرچند ظاهراً از جانب یک زن دردمند نوشته شده است اما در باطن و پنهان نویسنده‌ای قدرتمند دارد که توانسته است قدرت خود را در این نامه به صورت پنهان و به زیرکی اثبات کند.

- بسامد بالای کنش‌های اظهاری و عاطفی یکی دیگر از شواهد اثبات برای نامه حره ختلی است که در آن با استفاده از کنش‌های اظهاری و عاطفی، حره ختلی قدرت خود را در مقام یک زن در دوره مردسالار به ظهور می‌رساند بدون توجه به ایدئولوژی و قدرت حاکم بر آن زمان.

پی‌نوشت

۱. در قسمت وجه فعل از (هالیدی: ۳۳۵: ۱۹۹۴) و در قسمت وجه درکی یا بیشی از (سیمپسون، ۱۹۹۳: ۴۶-۴۹) و در قسمت ساخت معلوم و مجهول از (سیمپسون، ۱۹۹۳: ۸۶-۸۸) هر سه به نقل از آقاگل زاده، ۱۳۹۰: ۱۸۰ و ۲۰۰ استفاده شده است.



منابع و مأخذ

- آقاگل زاده، فردوس، (۱۳۹۰)، تحلیل گفتمان انتقادی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی
- آقاگل زاده، فردوس و غیاثیان، مریم، (۱۳۸۶)، فصلنامه‌ی زبان و زبان شناسی، سال سوم، شماره پنج، بهار و تابستان ۱۳۸۶، صص ۳۹-۵۴
- اسماعیل پور، ولی الله، (۱۳۸۹)، مقایسه سبک شناسانه بین نامه‌های تازیخ بیهقی و متن روایی، (۱۳۸۹)، علوم ادبی، سال سوم، شماره‌ی پنج، پاییز و زمستان ۱۳۸۹، صص ۲۳۶-۲۶۰
- انوری، حسن و احمدگیوی، حسن، (۱۳۸۵)، دستور زبان فارسی ۳، تهران: انتشارات فاطمی
- برسلر، چارلز، (۱۳۸۹)، درآمدی بر نظریه‌ها و روش‌های نقد ادبی، مترجم: مصطفی عابدینی فرد، ویراستار: حسین پاینده، تهران: نیلوفر
- بیهقی، ابوالفضل، (۱۳۸۸)، تاریخ بیهقی، به کوشش: خلیل خطیب رهبر، تهران: آفتاب
- پهلوان نژاد، محمدرضا و ناصری مشهدی، نصرت، تحلیل متن نامه‌ای از تاریخ بیهقی با رویکرد معنی شناسی کاربردی نامه سران تگیناباد به امیر مسعود، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی، س ۱۶، شماره ۶۲، پاییز ۱۳۸۷، صص ۳۷-۵۷
- حسن پناهی، فردین، بررسی تقابل حقیقت و واقعیت در تاریخ بیهقی بر مبنای تحلیل گفتمان، جستارهای ادبی، س ۴۴، ۱۳۹۰ شماره ۲ پیاپی ۱۷۳
- درپر، مریم، (۱۳۹۲)، سبک شناسی انتقادی، سبک شناسی نامه‌های غزالی با رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی، تهران: علم
- شعیری، محمدرضا، (۱۳۹۱)، مبانی معناشناسی نوین، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)
- عبدی، صلاح الدین و عباسی، نسرین، (۱۳۹۱)، بررسی رمان "الصبار" سحر خلیفه: بر اساس الگوی تحلیل گفتمان انتقادی فرکلانف، مجله‌ی نقد ادبی معاصر عربی، دوره‌ی دوم، شماره‌ی سوم، زمستان ۱۳۹۱، صص ۱۰۱-۱۲۳
- فتوحی، محمود، (۱۳۹۰)، سبک شناسی نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها، تهران: سخن



- فرکلاف، نورمن، (۱۳۸۹)، تحلیل انتقادی گفتمان، ترجمه‌ی فاطمه شایسته پیران و دیگران، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
- قبادی، حسینعلی و آقاگل زاده، فردوس و دسپ، سیدعلی، (۱۳۸۸)، تحلیل گفتمان غالب در رمان سووشون سیمین دانشور، فصلنامه نقد ادبی، سال دوم، تابستان ۱۳۸۸، شماره شش، صص ۱۴۹ - ۱۸۳
- قجری، حسینعلی و نظری، جواد، (۱۳۹۲)، کاربرد تحلیل گفتمان در تحقیقات اجتماعی، تهران: جامعه شناسان
- کلانتری، عبدالحسین، (۱۳۹۱)، گفتمان از سه منظر زبان‌شناختی، فلسفی و جامعه‌شناختی، تهران: جامعه شناسان
- مکاریک، ایرناریما، (۱۳۹۰)، دانش نامه نظریه‌های ادبی معاصر، مترجم: مهران مهاجر و محمد نبوی، تهران: آگه
- میلز، سارا، (۱۳۸۸)، گفتمان، مترجم: فتاح محمدی، زنجان: هزاره سوم
- یادنامه بیهقی، (۱۳۸۸)، ناشر: دانشگاه فردوسی مشهد
- ون دایک، تئون‌ای، (۱۳۸۹)، مطالعاتی در تحلیل گفتمان: از دستور متن تا گفتمان کاوی انتقادی، ترجمه‌ی پیروز ایزدی و دیگران، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی